

فقه و اصول، سال چهل و هشتم، شماره پیاپی ۱۰۷
زمستان ۱۳۹۵، ۲۳-۹

نقدی بر نظریه لزوم اتحاد زوج (فحل)*

فاطمه حائری

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

Email: f.haeri@stu-mail.um.ac.ir

دکتر حسین ناصری مقدم

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: naseri1962@um.ac.ir

دکتر محمد تقی قبولی

دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد

Email: ghabooli@um.ac.ir

چکیده

در میان اسباب تحریم نکاح، مسأله رضاع، یکی از مسائل خیلی مهم و مبتلابه است. فقها در تمامی مذاهب اسلامی در این که رضاع از اسباب تحریم است، اتفاق نظر دارند. ولی مسأله محل اختلاف این است که اصل در رضاع موجب نشر حرمت، مادر (مرضعه) است یا پدر (صاحب لبن)؟ مشهور امامیه معتقدند که آنچه برای نشر حرمت در رضاع معتبر است، اتحاد فحل است و دلیل آن‌ها روایاتی است که موجب تخصیص و تقیید عمومات و اطلاعاتی چند چون حدیث نبوی: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» و آیه «وَأَهْلَاتِكُمُ اللَّائِي لَأَوْضَعْنَكُم وَأَخْوَاتِكُمُ مِنَ الرِّضَاعَةِ» (نساء/۲۳)، می‌شود. قول مخالف مشهور، قول طبرسی صاحب تفسیر البیان و جمعی دیگر از امامیه است که در رضاع موجب نشر حرمت، اتحاد فحل را شرط ندانسته‌اند. دلیل این قول هم عموم حدیث، اطلاق آیه و نیز روایت محمد بن عبیده است. نقد و بررسی دو دیدگاه و دلایل آن‌ها قول غیر مشهور را قوت می‌بخشد.

کلیدواژه‌ها: نکاح، رضاع، نشر حرمت، اتحاد فحل، مرضعه.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۲/۰۴/۱۰؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۲/۱۰/۱۸.

مقدمه

از مسائل بسیار مهم و مورد ابتلا در مبحث اسباب تحریم نکاح، مسأله رضاع است. فقیهان همه مذاهب اسلامی، به رغم اختلاف نظر در جزئیات و احکام و موارد رضاع، در این که رضاع از اسباب تحریم است، اختلاف نظر ندارند. شیخ طوسی تصریح کرده است: «رضاع، نسبت به مادر (مرضعه) و صاحب لبن، موجب حرمت است؛ بنابراین، صاحب لبن پدر شیرخوار می شود، پدر وی جد او، خواهرش عمه او، برادرانش عموی او و همه فرزندان وی خوهران و برادران او خواهند شد. این نظر، دیدگاه علی (ع)، ابن عباس، عطاء، طاووس، مجاهد و از فقیهان: مالک، اوزاعی، لیث بن سعد، ثوری، ابوحنیفه و اصحابش، شافعی، احمد و اسحاق می باشد». (طوسی، خلاف، ۹۳/۵)

مسأله محل اختلاف، این است که اصل در رضاع موجب نشر حرمت، مادر یعنی مرضعه است یا پدر، یعنی صاحب لبن؟ مشهور فقیهان امامی، اصل را صاحب لبن دانسته اند و بر این باورند که در صورت تعدد صاحب لبن (فحل)، حرمت (و محرمیت) حاصل نخواهد شد؛ بنابراین در صورتی که زنی، دختری را از شیر مربوط به شوهر اول خود و پسری را از شیر مربوط به شوهر دومش شیر دهد، این رضاع موجب نشر حرمت میان این پسر و دختر نخواهد شد، چون صاحب لبن متعدد است.

در برابر این دیدگاه، دو دیدگاه تقریباً متضاد وجود دارد:

۱- این نظر که ملاک اصلی موجب نشر حرمت، تنها مادر است و پدر هیچ نقشی در نشر حرمت ندارد؛ بنابراین، اصلاً پدر و خویشان پدری رضاعی نداریم. یعنی پدر رضاعی، عموی رضاعی، عمه رضاعی و جد پدری رضاعی قابل تحقق نیستند. از این رو صاحب لبن می تواند با دختری که شیرخواره همسر اوست ازدواج کند.

شیخ طوسی، این رأی را به ابن زبیر و ابن عمر (از صحابه)، سعید بن مسیب، سلیمان بن یسار (از تابعین)، ربیع بن ابی عبدالرحمان (استاد مالک)، اصم، ابن علی و داود ظاهری و پیروان وی نسبت داده است. (طوسی، خلاف، ۹۴/۵)

۲- دیدگاه دوم که طرفدار جدی و شاخص آن مرحوم طبرسی، صاحب مجمع البیان است، این است که نشر حرمت همان طور که از طریق مرد صاحب لبن (شوهر) صورت می گیرد از طریق مرضعه نیز صورت می گیرد هر چند صاحب لبن متعدد باشد. بر اساس این نظر در صورتی که زنی، دختری را از شیر یک شوهر و پسری را از شیر شوهر دیگر شیر دهد، این پسر و دختر، خواهر و برادر رضاعی امی خواهند بود و ازدواج آن ها با یکدیگر حرام است.

صاحب حدائق، فیض کاشانی را نیز از طرفداران این دیدگاه دانسته است (بحرانی، ۳۶۹/۲۳)

شهید ثانی در مسالک نیز هر چند با صراحت، این قول را انتخاب نکرده اما چنان که در مقام استدلال مطرح خواهد شد به آن گرایش جدی دارد. (شهید ثانی، مسالک الافهام، ۲۱۸/۷ و ۲۴۰)

کلمات فقها

ابتدا لازم است برای تبیین هر چه بیشتر مسأله عباراتی از فقها نقل و بررسی گردد:

شیخ مفید بعد از ذکر محرمات نسبی اظهار داشته است: «همه این محرمات نسبی با رضاع نیز حرام می‌شوند، زیرا رضاع نیز در تحریم همانند نسب است. رسول خدا (ص) فرمود: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» (ابن بابویه، ۴۷۵/۳؛ نیز نگ، ابن حیون، ۲۳۹/۲؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ۲۹۲/۷؛ کلینی، ۴۳۷/۵؛ مفید، ص ۴۹۹)

شیخ مفید در مقنعه متعرض این مسأله که شیر باید از فحل واحد باشد یا نه، نشده است. شیخ طوسی در مبسوط آورده است: «چنانچه مردی با زنی ازدواج کند و از آن‌ها فرزندی متولد گردد، شیر آن زن، هم شیر زن محسوب است و هم شیر مرد، چون با فعل او (مرد) جاری گردیده است. پس اگر کودکی از این شیر بخورد یعنی پانزده مرتبه متوالی نزد امامیه، موجب نشر حرمت می‌گردد... به طوری که حتی اگر این زن از غیر از این مرد نیز دارای پسر یا پسرانی باشد، آن‌ها نیز برادران امی این کودک مرتضع می‌باشند. بنابراین، هفت گروهی که از نسب محرم و حرام هستند بدون هیچ کم و کاستی از طریق رضاع نیز محرم و حرام هستند». (طوسی، مبسوط، ۲۰۵/۴)

چنانکه ملاحظه می‌گردد در مبسوط هم نه تنها به اشتراط فحل واحد تصریح نشده است، بلکه از عبارت شیخ طوسی استفاده می‌شود که شیر زن به تنهایی نیز برای نشر حرمت کافی است. عبارت مذکور چنین است: «واللبن الذی نزل منها لأبویه أيضا فهو لبنها لانه منها ولبن زوجها و هو لبن الفحل». (طوسی، مبسوط، ۲۰۴/۴)

شیری که از این زن خارج می‌گردد متعلق به والدین کودک است؛ شیر مادر است، چون از (وجود) اوست و شیر زوج است، چون به فحل مربوط است.

این عبارت به صراحت، دیدگاهی را که شیر را به طور کلی متعلق به فحل و صاحب لبن را منحصره مرد می‌داند، مردود می‌شمارد. البته این عبارت در باب محرمات نکاح است، اما وی در کتاب رضاع مبسوط گفته است: «نظر اصحاب امام یعنی امامیه این است که اگر این زن از شوهر دیگرش دختر رضاعی داشته باشد، می‌تواند با این پسر ازدواج کند. آن‌ها دلیل این قول را اختصاص لبن به فحل دانسته‌اند». (طوسی، مبسوط، ۲۹۲/۵)

در حالی که عبارت مذکور شیخ صراحت داشت در این که لبن به مرد اختصاص ندارد و زن هم در آن سهیم است. شاید نسبت این دیدگاه به اصحاب، اشعار داشته باشد به این که خودش به این نظر راضی نیست.

قطب راوندی اظهار داشته است: «اگر زنی با شیر یک مرد، کودکان متعددی را که از مادران متفاوت بودند شیر دهد، تمام آن‌ها فرزندان رضاعی آن مرد به شمار می‌روند و بر همه فرزندان نسبی و رضاعی آن مرد، حرام خواهند بود، چنانکه بر فرزندان نسبی زن شیر دهنده نیز حرام خواهند بود، اما این افراد بر افرادی که از شیر همین زن اما از مرد دیگری ارتزاق کرده‌اند، حرام نخواهند بود». (قطب راوندی، ۹۰/۲)

ابن حمزه نیز اظهار داشته است: «کودک شیرخوار بر همه اولاد نسبی مرضعه و همه اولاد رضاعی او در صورتی که رضاع آن‌ها از لبن همین فحل باشد نه از دیگری، حرام است». (ابن حمزه، ۳۰۲)

ابن براج در مهذب نیز بر همین باور است که اگر رضاع به لبن غیر فحل باشد موجب حرمت نیست. (ابن براج، ۱۹/۲)

البته احتمال دارد منظور وی این باشد که رضاع باید از راه نکاح باشد و گر نه از راه غیر نکاح مانند زنا موجب حرمت نمی‌شود، که طبق این تفسیر، ارتباطی به موضوع بحث نخواهد داشت.

ابن ادریس حلی نیز تصریح کرده است: «اگر زنی پسری را که فرزندش نیست شیر دهد و آن زن از غیر این شوهر، دختر رضاعی داشته باشد، ازدواج این پسر با آن دختر رضاعی جایز است و رضاع، موجب حرمت نمی‌شود زیرا لبن، مربوط به دو فحل مختلف است، اما مخالفان از عامه این دختر را خواهر رضاعی مرتضع دانسته‌اند که حق ازدواج با او را ندارد. اما اصحاب امامیه اجماعاً گفته‌اند: ازدواجشان جایز است، چون شیری که دختر رضاعی خورده، از فحل دیگری است. اینان قول ائمه (ع) را که فرموده‌اند: «اللبن للفحل» (حمیری، ص ۳۶۹؛ کلینی، ۴۴۰/۵) اینچنین تفسیر کرده‌اند. (ابن ادریس، ۵۵۳/۲).

بررسی کلام ابن ادریس

این عبارت ابن ادریس از دو جهت شایان تأمل است:

- أ. انتخاب این دیدگاه از سوی اصحاب امامیه به دلیل استناد به عبارت حدیث است، بنابراین اجماع اصحاب، اگر ثابت هم باشد، اجماع تعبیدی اصطلاحی و قابل استناد نیست.
- ب. عبارت «اللبن للفحل» به جز برداشتی که اصحاب کرده‌اند دو تفسیر دیگر نیز می‌تواند داشته باشد:

۱- امام (ع) در مقام بیان این است که شیری موجب نشر حرمت می‌شود که از فحل (شوهر) باشد

نه از زنا که در آن صورت موجب نشر حرمت نمی‌شود همان‌طور که قبلاً در عبارت ابن بواج مورد اشاره قرار گرفت.

۲- برای دفع یک توهم که برخی از اهل سنت مطرح کرده‌اند و آن این است که، نشر حرمت رضاعی را نسبت به مرد صاحب لبن، ثابت ندانسته‌اند و آن را مخصوص مرضعه دانسته‌اند. یعنی این طایفه به پدر رضاعی او، عمو و عمه، جد ابی و برادر ابی رضاعی قائل نیستند و ازدواج این گروه را با دختری که از خویش نسبی آن‌ها یا همسر آن‌ها شیر خورده است، جایز دانسته‌اند. ابن زبیر، ابن عمر، از صحابه و سعید بن مسیب و سلیمان بن یسار از تابعین و ربیع بن ابی عبدالرحمان (استاد مالک)، حماد بن ابی سلیمان (استاد ابوحنیفه)، عاصم و استادش، ابن علیّه از فقها و نیز داود ظاهری و پیروانش این نظر را برگزیده‌اند، هر چند این نظر در نزد امامیه و عموم اهل سنت مطرود است. (رک: طوسی، خلاف، ۹۴/۵)

با وجود این دیدگاه، حداقل این توهم ایجاد می‌شود که ممکن است فحل صاحب لبن، نقشی در رضاع نداشته باشد و امامان معصوم (ع) با عبارت «اللبن للفحل» (حمیری، ۳۶۹؛ کلینی، ۴۴۰/۵) خواسته‌اند این توهم را دفع کنند.

محقق نیز در شرایط تصریح کرده است: «از شرایط حرمت این است که لبن از یک فحل باشد... لذا اگر دو کودک را با شیر دو فحل شیر دهد آن دو بر یکدیگر حرام نخواهند شد. وی روایت دال بر عدم اعتبار فحل واحد را متروک دانسته است.» (محقق حلی، ۵۰۹/۲)

برخی دیگر از فقیهان امامی نیز بر دیدگاه مشهور پای فشرده‌اند (ابن سعید، ۴۳۵؛ فاضل آبی، ۱۲۲/۲؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ۲۳/۳، همو، تذکره الفقها، ۶۲۱/۲، همو، تحریر الاحکام، ۴۳۰/۳).

محقق ثانی نیز ضمن نسبت قول غیر مشهور به طبرسی، دیدگاه مشهور را تقویت کرده است. (محقق کرکی، ۲۴۴/۱۲، نیز نگ: موسوی عاملی، ۱۱۶/۱؛ نراقی، ۲۶۱/۱۶؛ طباطبایی کربلایی، ۱۰/۱۴۷)

صاحب جواهر اشتراط فحل واحد را دارای شهرت عظیمه دانسته است. (نجفی، ۳۰۳/۲۹)

شیخ انصاری پس از بیان استدلال طبرسی به عموم آیه و روایت نبوی و حدیث محمد بن عبید همدانی، گفته است: اظهر همان قول اکثر، یعنی اعتبار اتحاد فحل در نشر حرمت است. (شیخ انصاری، ص ۳۲۲)

دیدگاه مخالف

از عبارات برخی از فقها تلویحاً و از برخی دیگر تصریحاً استفاده می‌شود که در این میان دیدگاه مخالف هم وجود دارد. برخی از اعلام دیدگاه مشهور را به معظم اصحاب و مانند آن اسناد داده‌اند که

تلویحه دلالت بر قول مخالف دارد و برخی چون شهید ثانی در روضه پس از بیان این که لبن باید از فحل واحد باشد، با صراحت اظهار داشته است:

«... اما طبرسی، صاحب تفسیر معتقد است که اتحاد فحل شرط نیست و اتحاد مرضعه هم کفایت می‌کند، زیرا بین آن‌ها اخوت از جانب مادر برقرار است (هر چند فحل متعدد باشد) زیرا اخوت نسبی مادری هم موجب حرمت است و داخل این کبرای کلی می‌شود که فرمود: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب». (شهید ثانی، الروضة البهیة، ۵/ ۱۶۵؛ نگ: طبرسی، ۲/ ۲۸)

شهید ثانی ادامه داده است: این سخن طبرسی صحیح و موجه است اگر نصوص بر خلاف آن نبود، اما نصوص بر خلاف آن است و این نصوص، عموم: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» را تخصیص می‌زنند. (شهید ثانی، الروضة البهیة، ۵/ ۱۶۵)

سید محمد بحر العلوم ضمن تقویت دیدگاه مشهور، تأکید کرده است که در این مورد احتیاط ترک نشود. (بحر العلوم، ۳/ ۱۵۳)

مفسرانی چون کاشانی و علامه طباطبایی در ذیل آیه شریفه «وَأُمَّهَاتِكُمُ اللَّائِي أَوْضَعْنَكُم وَأَخَوَاتِكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ» (نساء/ ۲۳) به نشر حرمت از طریق رضاع پرداخته‌اند و موردی را استثنا نکرده‌اند. فیض کاشانی اظهار داشته است: «خداوند، آن‌ها (مادران و خواهران رضاعی) را مادر و خواهر نامیده است، پیامبر (ص) هم فرمود: «الرضاع لحمه کلحمه النسب»^۱ رضاع نیز خویشی است همانند خویشی نسب و نیز فرمود: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب»؛ بنابراین خداوند تحریم را تعمیم داده است. (فیض کاشانی، ۱/ ۴۳۵)

علامه طباطبایی در المیزان نیز یادآور شده است: «آیه با سیاقش دلالت دارد بر این که بین زن و کسی که او را شیر داده است، رابطه فرزندی برقرار است، همچنین بین مرد و خواهر رضاعی او؛ به این دلیل که این انتساب، مفروغ عنه و مسلم گرفته شده است. بنابراین، نوعی رابطه نسبی به حسب تشریح است و این از اختصاصات شریعت اسلامی است به دلیل روایت صحیح وارد از طریق فریقین که فرمود: «ان الله حرم من الرضاعة ما حرم من النسب». (نوری، ۱۴/ ۳۶۵) لازمه این بیان آن است که در ردیف همه محرّمات نسبی مانند مادر، خواهر، عمه، خاله، دختر برادر، دختر خواهر، محرّمات رضاعی نیز برقرار باشد. (طباطبایی، ۴/ ۲۶۴-۲۶۳)

بر این اساس، علامه طباطبایی هم هیچ موردی را از عموم و اطلاق آیه و روایات استثنا نکرده است.

۱. این حدیث در منابع حدیثی یافت نشد.

دلایل دو دیدگاه

دیدگاه نخست (دیدگاه مشهور)

چنانکه اشاره شد مشهور امامیه برای نشر حرمت در رضاع، فحل واحد را شرط دانسته‌اند. به عبارتی دیگر، صاحب شیر را مردی می‌دانند که همسرش کودکی را شیر داده است. بنابراین، حرمت رضاعی بین دو نفر، تنها در صورتی حاصل می‌شود که صاحب لبن یک نفر باشد. به عنوان مثال: اگر زنی دختری را از شیر متعلق به همسر اول خود، شیر دهد، بین این پسر و آن دختر حرمت رضاعی برقرار نخواهد شد، با این که یک زن آن دورا شیر داده است. ادله این قول از این قرارند:

دلیل اول: اجماع

چنان‌که از ابن ادریس گذشت، اجماع یکی از دلایلی است که مورد استناد فقیهان مشهور امامی برای اشتراط فحل واحد در رضاع قرار گرفته است، اما استناد به اجماع از چند جهت قابل تأمل بلکه خدشه است:

۱- برخی از بزرگان امامیه، مانند شیخ مفید در مقنعه و شیخ طوسی در خلاف، چنان‌که گذشت اصلاً این مسأله را مطرح نکرده‌اند، بنابراین نمی‌توان مسأله را اجماعی دانست زیرا اجماع یعنی اتفاق نظر همه فقها (با شرایط خاص)، از این رو در مواردی که برخی از فقها، به ویژه، قدما اظهار نظر نکرده‌اند تحقیق اجماع میسر نیست.

۲- با توجه به روایاتی که در مسأله موجود است و همه آن‌ها مورد استناد فقیهان قرار گرفته است اجماع مزبور، یک اجماع تبعیدی قابل استناد نیست بلکه اجماع مدرکی است و نمی‌تواند به عنوان یک دلیل مستقل مورد استناد قرار گیرد.

دلیل دوم: روایات

مستند عمده دیدگاه مشهور، روایات است که معتقدند با این روایات، عموم حدیث نبوی تخصیص و اطلاق آیه کریمه تقیید می‌خورد و گرنه چنان‌که اشاره خواهد شد مقتضای عموم حدیث «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» و اطلاق آیه «و أمهاتکم اللاتی أوضعنکم و أخواتکم من الوضاعة»، انتشار حرمت با رضاع است حتی در صورت تعدد فحل.

از این رو لازم است تک تک روایات مورد استناد مشهور، مطرح و بررسی شود تا روشن گردد که آیا صلاحیت تخصیص و تقیید عمومات مزبور را دارند یا نه؟ و اما روایات:

۱- روایت زیاد بن سوقة از امام باقر (ع): پرسیدم: آیا برای شیر خوردن حد (و اندازه‌ای) وجود دارد که باید رعایت شود؟ فرمود: شیر خوردن کمتر از یک شبانه روز یا پانزده مرتبه پی در پی از یک زن و از شیر

(متعلق به) یک شوهر که بین آن‌ها شیر خوردن از زن دیگری نباشد، موجب حرمت نمی‌شود. (بنابراین) اگر زنی پسر یا دختری را ده بار از شیر (متعلق به) مردی شیر دهد و زن دیگری آن کودک را از شیر (متعلق به) مرد دیگری ده بار شیر دهد موجب حرمت نکاح وی نمی‌شود.^۲

علامه در مختلف این روایت را به عنوان دلیل قول مشهور ذکر کرده است. (علامه حلی، مختلف الشیعه، ۱۰/۷)

اما چنان که روشن است اولاً، امام (ع) در مقام بیان ضرورت رعایت موالات در دفعات شیر خوردن است. ثانیاً، موضوع مطرح شده در روایت از محل بحث مسأله ما خارج است زیرا محل بحث ما موردی است که یک زن دو کودک را از شیر متعلق به دو مرد (هر کدام) به طور کامل شیر دهد، اما مورد روایت جایی است که یک زن کودکی را ده بار از شیر یک مرد شیر دهد و زن دیگری همان کودک را از شیر مرد دیگری ده بار شیر دهد و این مورد ربطی به مسأله مورد بحث ندارد.

۲- روایت برید عجلی از امام باقر (ع): درباره این سخن رسول خدا (ص) «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» پرسیدم (وعرض کردم) آن را برایم تفسیر نمایید، فرمود: هر زنی که از شیر شوهر خود، دختری یا پسر زن دیگری را شیر دهد، این همان است که رسول خدا (ص) فرمود (حرام می‌شود)؛ اما هر زنی که از شیر دو فحل (شوهر) خود، دختر یا پسری را شیر دهد، این رضاعی نیست که رسول خدا (ص) فرمود: «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» و این (مورد) سبب حرمت نخواهد شد.^۳

تقریب استدلال این است که اگر کودکی را از شیر متعلق به دو فحل شیر دهد، این شیرخوارگی، موجب نشر حرمت نمی‌شود. البته می‌توان روایت را بر موردی حمل کرد که زنی، کودکی را با شیر متعلق به دو شوهر شیر داده و بین دو شیرخوارگی فاصله افتاده باشد و دلیل عدم انتشار حرمت، وجود این «فاصله» باشد، هر چند این حمل، عرفی نیست.

۳- روایت صفوان بن یحیی از امام زمان (عج): می‌گوید به حضرت عرض کردم مادرم دختری را با شیر من، شیر داد؟ فرمود: او خواهر رضاعی تو است. می‌گوید: به حضرت گفتم: آیا این دختر برای برادرم که که مادرم با شیر او، دختر را شیر نداده (یعنی با حاملگی دیگری او را شیر داده نه با این حاملگی) حلال

۲. قال: قلت لأبي جعفر (ع): هل للرضاع حد يؤخذ به؟ فقال: لا يحرم الرضاع اقل من رضاع يوم و ليلة او خمس عشر رضعة متواليات من امرأة واحدة من لبن فحل واحد، لم يفصل بينها رضعة امرأة غيرها. ولو ان امرأة ارضعت غلاماً او جارية عشر رضعات من لبن فحل آخر عشر رضعات لم يحرم نكاحها. (طوسی، تهذیب الاحکام، ۳۱۴/۷ ذیل حدیث ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴)

۳. عن برید العجلی فی حدیث قال: سألت أبا جعفر (ع) عن قول رسول (ص): يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب فمر لي ذلك فقال: كل امرأة أرضعت من لبن فحلها ولد امرأة أرضعت من لبن فحلين كانا لها واحداً بعد واحد من جارية أو غلام فان ذلك رضاع ليس بالرضاع الذي قال رسول الله (ص): يحرم من الرضاع ما يحرم من النسب و انما هو من نسب ناحية الصهر رضاع و لا يحرم شينا و ليس هو سبب رضاع من ناحية لبن الفحولة فيحرم. (حر عاملی، ۲۹۳/۱۴)

است؟ فرمود: فحل (شوهر) یکی است؟ گفتیم: آری، او برادر پدری و مادری من است. فرمود: شیر، متعلق به فحل است، پدر تو پدر او (دختر) و مادرت، مادر او می‌گردد.^۴

دلالت این روایت بر لزوم اتحاد فحل، چندان روشن نیست زیرا امام (ع) در مقام بیان این هستند که شیر فحل واحد، موجب نشر حرمت می‌شود ولی نافی غیر آن نیست.

۴- روایت عمار ساباطی از امام صادق (ع): درباره پسر پرسیدم که از زنی شیر خورده است، آیا می‌تواند با خواهر رضاعی از طریق پدر او ازدواج کند؟ فرمود: نه (نمی‌تواند) چون هر دو از یک مرد و یک زن شیر خورده‌اند. آن زن پرسید: آیا می‌تواند با خواهر رضاعی آن زن از طریق مادر، ازدواج کند؟ فرمود: اشکالی ندارد، زیرا فحل خواهری که او را شیر نداده با فحل خواهری که پسر را شیر داده است، متفاوت است، پس چون شوهران متفاوت‌اند، (ازدواج آن‌ها) بدون اشکال است.^۵

۵- روایت حلبی از امام صادق (ع): درباره مردی پرسیدم که در کودکی از زنی شیر خورده است، آیا می‌تواند با خواهر رضاعی آن زن از جانب مادر، ازدواج کند؟ فرمود: اگر آن دو زن از یک زن و (شیر متعلق به) یک مرد شیر خورده‌اند، ازدواج جایز نیست، اما اگر آن دو زن از یک زن، اما از (شیر متعلق به) دو مرد شیر خورده باشند، این (ازدواج) بدون اشکال است.^۶

۶- روایت عبد الله سنان از امام صادق (ع): درباره شیر (متعلق به) مرد (شوهر) پرسیدم، فرمود: آن، شیری است که همسر تو از شیر (متعلق به) تو و فرزند تو فرزند زن دیگری را شیر دهد.^۷

انصافه این حدیث نمی‌تواند برای اشتراط فحل واحد، مورد استناد قرار گیرد، زیرا امام (ع) در مقام بیان این مطلب است که کسی فرزند رضاعی شما شناخته می‌شود که همسرش از شیر متعلق به شما و فرزند شما او را شیر دهد. مفهوم آن این است که اگر همسر شما از شیر متعلق به همسر دیگری (در سابق یا بعد از شما) پسر یا دختری را شیر دهد، رابطه رضاعی بین شیرخوار و شما برقرار نخواهد شد.

۷- روایت ابی بصیر از امام صادق (ع): درباره مردی پرسید که با زنی ازدواج کرده و آن زن برای او

۴. محمد بن اسماعیل، عن الفضل بن شاذان، عن صفوان بن يحيى، عن العبد الصالح (ع) قال: قلت له: أرضعت امي جارية بلبنى قال: هي اختك من الرضاع، قال: فقلت: فتحل لأخي من امي لم ترضعها بلبنه يعني ليس بهذا البطن ولكن ببطن آخر، قال: والفحل واحد؛ قلت: نعم هي أختي لأبي وامى، قال: اللبن للفحل صار أبوك أباهما و امك امها (كليني، ۴۴۴/۵)

۵. عن عمار الساباطى قال: سألت أبا عبدالله (ع) من غلام رضع من امرأة أيحل لها يتزوج اختها لأبيها من الرضاع؟ فقال: لا فقد رضعها جميعاً من لبن فحل واحد من امرأة واحدة قال: فيتزوج اختها لامها من الرضاع؟ قال: فقال: لا بأس بذلك ان اختها التي لم ترضعه كان فحلها غير فحل التي أرضعت الغلام فاختلف الفحلان فلا بأس. (حر عاملی، ۲۹۴/۱۴)

۶. عن الحلبي قال: سألت أبا عبدالله (ع) عن الرجل يرضع من امرأة و هو غلام أيحل لها يتزوج اختها لامها من الرضاع؟ فقال: ان كانت المرأتان رضعتا من امرأة واحدة من لبن فحلين فلا بأس بذلك. (حر عاملی، ۲۹۴/۱۴)

۷. عن عبدالله بن سنان قال: سألت أبا عبدالله (ع) عن لبن الفحل قال: هو ما أرضعت امرأتك من لبنك و لبن ولدك و ولد امرأة اخرى فهو حرام. (حر عاملی، ۲۹۴/۱۴)

دختری را به دنیا آورده، سپس آن زن می‌میرد و آن مرد با زن دیگری ازدواج می‌کند و او برای مرد پسری می‌آورد. آن گاه همسر دوم، پسری را (به مقدار کامل) شیر می‌دهد، آیا این پسر شیرخواره می‌تواند، با دختری که متعلق به همسر سابق آن مرد است ازدواج کند؟ فرمود: خوش ندارم آن پسر با دختر مردی ازدواج کند که از شیر (متعلق به) او خورده است.^۸

این روایت هم بر اشتراط فحل واحد در رضاع دلالتی ندارد، بلکه امام در مقام بیان این مطلب است که شیر متعلق به فحل (شوهر) هم موجب نشر حرمت می‌شود هر چند مادرها متفاوت باشند، اما نسبت به موردی که مادر، واحد و شوهران متفاوت‌اند، ساکت است.

۸- روایت سماعه از امام (ع) درباره مردی پرسیدم که دوزن دارد و هر یک از آن‌ها برای او پسری می‌آورند، سپس یکی از آن دوزن، دختری (بیگانه) را شیر می‌دهد، آیا پسر او (از زن دیگر) می‌تواند با این دختر ازدواج کند؟ فرمود: نه، زیرا این دختر از شیر (متعلق به) آن مرد خورده است.^۹

این روایت هم به اتحاد فحل در رضاع ربطی ندارد، بلکه ناظر به این است که ازدواج پسر نسبی آن مرد با دختر رضاعی اش از زنی دیگر که مادر آن پسر نیست جایز نیست و این مسأله محل بحث نیست. محل بحث موردی است که مادر رضاعی واحد، و فحل متعدد باشد، ضمن این که حدیث مضمومه^{۱۰} است و ممکن است حدیث از این جهت نیز مخدوش باشد.

۹- روایت احمد بن محمد بن ابی نصر از امام هشتم: درباره زنی پرسیدم که دختری را شیر داده و آن مرد از همسر دیگرش نیز پسری دارد، آیا برای آن پسر جایز است با این دختر رضاعی ازدواج کند؟ فرمود: شیر برای فحل (شوهر) است.^{۱۱}

این روایت هم صراحت بلکه ظهوری در اشتراط اتحاد فحل ندارد، چون گفته است لبن برای فحل است و اما نقش لبن مرأه را ذکر نکرده است. ممکن است بیان امام در برابر کسانی باشد که در رضاع، نقشی برای فحل قائل نیستند. یعنی امام (ع) در مقام دفع یک توهم است و آن توهم این است که حتملاً باید خواهران و برادران رضاعی از یک زن شیر خورده باشند. به عبارت دیگر، امام (ع) در مقام نفی اشتراط اتحاد مادر است نه در مقام اشتراط اتحاد فحل.

۸. عن أبي بصير، عن أبي عبدالله (ع): في رجل تزوج امرأة فولدت منه جارية ثم ماتت المرأة فتزوج أخرى فولدت منه ولداً ثم أنها أرضعت من لبنها غلاماً أيحل لذلك الغلام الذي أرضعته أن يتزوج ابنة المرأة التي كانت تحت الرجل قبل المرأة الأخيرة؟ فقال: ما أحب أن يتزوج ابنة فحل قد رضع من لبنه. (حر عاملی، ۲۹۵/۱۴)

۹. عن سماعه قال: سألت عن رجل كان له امرأتان فولدت كل واحدة منهما غلاماً فانطلقت إحدى امرأته فأرضعت جارية من عرض الناس أينبغي لابنه أن يتزوج بهذه الجارية؟ قال: لا لأنها أرضعت بلبن الشيخ. (حر عاملی، ۲۹۵/۱۴)

۱۰. روایت مضمومه، روایتی است که امامی که مورد پرسش قرار گرفته است، نامعلوم است.

۱۱. عن احمد بن محمد بن ابی نصر قال: سألت أبا الحسن (ع) عن امرأة أرضعت جارية ولزوجها ابن من غيرها أيحل للغلام ابن زوجها ان يتزوج الجارية التي أرضعت؟ فقال: اللين للفحل. (حر عاملی، ۲۹۵/۱۴)

۱۰- روایت حلبی از امام صادق: به امام عرض کردم: کنیز مردی پسری را شیر داده و آن مرد از غیر آن کنیز دختری دارد، آیا آن پسر (رضاعی) می‌تواند با آن دختر ازدواج کند؟ فرمود: من خوش ندارم با دختر مردی ازدواج کنم که از شیر (مربوط به) پسرش خورده‌ام.^{۱۱}

این روایت نیز هیچ ربطی به اتحاد فحل ندارد بلکه برای لبن فحل هم اعتبار قائل شده و می‌گوید پسر رضاعی انسان نمی‌تواند دختر نسبی او از زن دیگر ازدواج کند و این مطلب جای بحث و انکار نیست.

مستند دیدگاه مخالف مشهور

۱- چنان که اشاره شد، مستند اصلی دیدگاه طبرسی در مجمع، عموم حدیث نبوی «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» است که با تعابیر متفاوت اما مشابه روایت شده است.

۲- اطلاق آیه شریفه «وَأَمْهَاتِكُمُ اللَّائِي أُوْضِعْتِكُم وَأَخْوَانِكُم مِّنَ الرِّضَاعَةِ». (نساء/۲۳) واضح است که عموم و اطلاق در حدیث و آیه کریمه، مسأله مورد بحث را نیز شامل می‌شود. اصلاً در آیه شریفه فقط مادر و خواهر را مطرح کرده است و سخنی از اشتراط فحل واحد به میان نیامده است. در حدیث شریف هم به طور عام فرموده است که هر آنچه در حوزه نسب، موجب حرمت می‌شود در حوزه رضاع نیز موجب نشر حرمت می‌شود.

از این رو، مرحوم علامه طباطبایی (چنان که اشاره شد) فرموده: «آیه با سیاقش بر این دلالت دارد که بین زن و کسی که او را شیر داده است، رابطه فرزندی برقرار است، همچنین بین مرد و خواهر رضاعی او؛ به این دلیل که در آیه، این انتساب، مسلم گرفته شده است. بنابراین، رضاع، نوعی رابطه نسبی است به حسب تشریح...» (طباطبایی، ۲۶۳/۴)

روایت محمد بن عبیده همدانی که گفته است به اما رضا (ع) عرض کردم: گروهی لبن را فقط متعلق به فحل دانسته‌اند و من می‌خواهم نظر شما را بدانم؟ فرمود: نظر تو درباره مردی که دارای همسران متعدد است و یکی از زنان، کودک بیگانه‌ای را شیر می‌دهد، آیا تمام فرزندان این مرد بر این پسر حرام نیستند؟ گفتم: چرا، حرام هستند؛ حضرت فرمود: «فما بال الرضاع یحرم من قبل الفحل و لا یحرم من قبل الامهات و انما الرضاع من قبل الامهات؟ و ان كان لبن الفحل ایضاً یحرم». (حر عاملی، ۲۹۶/۱۴)

چگونه است که رضاع از جانب مرد موجب حرمت می‌شود اما از جانب مادران موجب حرمت نمی‌شود، در حالی که رضاع (حقیقتاً) از جانب مادران است هر چند لبن (متعلق به) مرد نیز موجب

۱۲. عن الحلبي قال: قلت لأبي عبد الله (ع): أم ولد رجل أرضعت صبياً وله ابنة من غيرها أيحل لذلك الصبي هذه الابنة؟ قال: ما أحب أن أتزوج ابنة رجل قد رضعت من لبن ولده. (حر عاملی، ۲۹۵/۱۴)

حرمت است.

صاحب وسائل اظهار داشته است: شیخ (طوسی) این روایت را بر نشر حرمت بین مرتضع و اولاد نسبی مرضعه حمل کرده است (ر.ک: طزسی، الاستبصار، ۲۰۰/۳) نه اولاد رضاعی او با اختلاف فحل. صاحب وسائل خودش احتمال حمل بر کراهت و یا حمل بر تقیه را هم داده است. (حر عاملی، ۲۹۶/۱۴) چنانکه ملاحظه می‌شود این روایت با حمل شیخ اصلاً سازگار نیست، چرا که امام (ع) با صراحت فرموده است که رضاع و لبن از ناحیه زن نیز همانند لبن فحل مؤثر است و این عبارت صریح امام (ع) به هیچ وجه قابل تأویل نیست.

حمل بر کراهت هم (چنان که صاحب وسائل فرمود) قابل توجیه نیست، زیرا امام (ع) عبارت «یحرم» را به کار برده است که ظهور در حرمت دارد و بدون قرینه نمی‌توان آن را بر معنای غیر ظاهر، حمل کرد. افزون بر طبرسی، فیض کاشانی نیز در وافی با اخذ روایت همدانی، به این نظر گرایش پیدا کرده است. (به نقل از خوانساری، ۱۹۵/۴).

همچنین صاحب مدارک نیز در این موضوع آورده: ... و مخالف در این مسئله، ابو علی طبرسی صاحب تفسیر و نیز صاحب کتاب وافی (فیض کاشانی) است و شاید دلیل آنان، این امور باشد: عموم سخن خدای تعالی «واخوانکم من الرضاعة» و عموم سخن پیامبر (ص) «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» و عموم سخن امام رضا (ع) در روایت محمد بن عبیده همدانی «وضعیته رضاع چگونه است که از سوی شوهر، باعث حرمت می‌شود ولی از سوی مادران نمی‌شود؟!»^{۱۳} (خوانساری، ۱۹۵/۴). البته خوانساری خودش با این نظر موافق نیست و در رد آن می‌گوید: عمومات یاد شده را باید با اخبار خاص، تخصیص زد و نمی‌توان آن‌ها را با این خبر (ابن عبیده همدانی) معارض دانست و سپس خبر همدانی را به لحاظ موافقت با کتاب و مخالفت با عامه، ترجیح داد زیرا افزون بر تعدد روایات دیگر، سند آن‌ها نیز نسبت به این خبر، از قوت و استحکام بیشتری برخوردار است (همان جا).

از این رو به نظر می‌رسد تنها مانعی که وجود دارد روایاتی است که مستند مشهور است و این روایات، عموم و اطلاق حدیث نبوی (ص) و اطلاق آیه را تخصیص و تقیید می‌زنند؛ اما چنان که ذیل هر کدام از روایات، در حد بضاعت و مجال توضیح داده شد، اکثر روایات مورد استناد مشهور، در لزوم اشتراط اتحاد فحل، ظهوری نداشتند. تنها یک یا دو روایت (روایات سوم و چهارم) در این دیدگاه ظهوری داشتند که در

۱۳. و المخالف فی المسئلة ابو علی الطبرسی صاحب التفسیر و صاحب الوافی و لعله لعموم قوله تعالی «واخوانکم من الرضاعة» و عموم قوله (ص) «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب» و عموم قول الرضا (ع) علی المحکی فی حدیث محمد بن عبیده الهمدانی «فما بال الرضاع یحرم من قبل الفحل و لا یحرم من قبل الامهات».

برابر این دو روایت، روایت مخالف آن هم وجود دارد که به عنوان دلیل سوم دیدگاه مخالف مشهور مطرح گردید و توجیه و حمل شیخ و صاحب وسائل نیز پاسخ داده شد.

شهیدثانی در مسالک ضمن اسناد اشتراط فحل واحد به مشهور امامیه و اسناد قول غیر مشهور به طبرسی و استدلال وی به عموم حدیث نبوی (ص) و اطلاقات و عموم آیه «واخوانکم من الرضاعة» تصریح کرده است: این قول در نهایت جودت است به شرط این که دو روایت گذشته را ضعیف بدانیم، یعنی روایت امام باقر (ع) «لا یحرم من الرضاع اقل من رضاع یوم و لیلة او خمس عشر رضعه متوالیات من امرأه واحده من فحل واحد» و روایت عمار ساباطی (حر عاملی، ۱۴/۲۹۴).

وی در ادامه ضمن تضعیف این دو روایت به دلیل وجود عمار ساباطی^{۱۴} در میان سند آنها، روایت محمد بن عبید همدانی را نیز معارض این دو روایت دانسته است و یاد آور شده است که، بنا بر این می توان برای تقویت قول عدم اعتبار فحل واحد به عموم ادله رضاع استناد کرد و این قول را در غایت نیکویی می داند. البته در ادامه به روایت صحیح دیگری اشاره می کند که آن را سزاوارتر به ذکر می داند و می تواند دلیل قول مشهور قرار گیرد و با آن، عموم «یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب»، تخصیص می خورد (رک: شهید ثانی، مسالک الافهام، ۲۳۹/۷-۲۴۰).

از این رو با توجه به عموم حدیث نبوی (ص) و اطلاق آیه کریمه و نیز صراحت حدیث محمد بن عبیده، تخصیص عموم و اطلاق مزبور با آن دو حدیث ممکن است مورد نقد و تأویل جدی قرار گیرد. حداقل می توان گفت: لازم است در مورد محل بحث، به طور جدی احتیاط شود. یعنی حکم به حلیت و جواز ازدواج جده محل اشکال خواهد بود.

نتیجه گیری

دیدگاه مشهور امامیه این است که برای نشر حرمت در رضاع، اتحاد فحل معتبر است. بنابراین، دو کودکی که از یک زن شیر کامل خورده اند اما شیر هر یک مربوط به دو شوهر است، موجب نشر حرمت نمی شود.

دلیل دیدگاه مشهور روایاتی است که معتقدند، موجب تخصیص عموم و اطلاقات می شود، زیرا عموم حدیث نبوی (ص) و اطلاق آیه کریمه، موجب نشر حرمت می شود.

طبرسی، صاحب تفسیر البیان و برخی دیگر از محققان امامیه مانند فیض کاشانی، بر این باورند که در رضاع موجب نشر حرمت، اتحاد فحل شرط نیست. مستند این دیدگاه، عموم حدیث، اطلاق آیه و نیز

۱۴. عمار ساباطی فطحی مذهب است، هر چند برخی در عین حال او را ثقه می شمرند. نگ: شیخ طوسی، الفهرست، ۵۴.

روایت محمد بن عبیده است.

هر چند در برخی از ادله مشهور دلالت با سند خدشه وارد شد، ولی انصافاً در میان روایات قول مشهور، به اندازه کافی روایت موثوق صریح یا ظاهر وجود دارد. از دیگر سو، روایت همدانی که معتضد به قرآن کریم و مخالفت با عامه است و طرفدارانی هم دارد، خالی از قوت نیست. اینک یا باید روایات مشهور را به لحاظ کثرت عددی و قوت سند، مقدم داریم و یا قائل به وجود تعارض شویم که نتیجه آن، ترجیح قول غیر مشهور است به دلیل معاضدت با قرآن کریم. از این رو، داوری در این مسئله چندان آسان نیست و احتیاط مستحبی اقتضا می‌کند، در موارد تعدد فحل نیز قائل به تحریم شویم.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم: اسوه، بی‌تا.
- ابن ادریس، محمد بن احمد، *السرائر*، قم، جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
- ابن بابویه، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
- ابن براج، عبدالعزیز بن نحیر، *المهذب*، جامعه مدرسین قم، بی‌جا، ۱۴۰۶ ق.
- ابن حمزه، محمد بن علی، *الوسیله*، قم: مکتبه السید المرعشی، چاپ اول، ۱۴۰۱ ق.
- ابن حیون، نعمان بن محمد، *دعائم الاسلام*، بی‌جا، دارالمعارف، ۱۳۸۳ ق.
- ابن سعید، یحیی بن احمد، *الجامع للشرایع*، قم: مؤسسه سید الشهداء، بی‌جا، ۱۴۰۵ ق.
- انصاری، مرتضی بن محمد امین، *کتاب النکاح*، قم، بی‌نا، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.
- آل بحر العلوم، محمد بن محمد تقی، *بلغة الفقیه*، تهران: مکتبه الصادق (ع)، چاپ چهارم، ۱۴۰۳ ق.
- بحرانی، یوسف بن احمد، *الحدائق الناضرة*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.
- حمیری، عبدالله بن جعفر، *قرب الاسناد*، قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، *الروضة البهیة*، قم: انتشارات داوری، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
- _____، *مسالك الافهام*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- صاحب جواهر، محمد حسن بن باقر، *جواهر الکلام*، تهران: المکتبه الاسلامیه، چاپ دوم، بی‌تا.
- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، بی‌جا، ۱۴۰۲ ق.
- طباطبائی کربلایی، علی بن محمد علی، *ریاض المسائل*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، بی‌جا، ۱۴۱۹ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق.

- طوسی، محمد بن حسن، *الاستبصار*، قم، دارالکتب الاسلامیه، بی تا.
- _____، *الخلاف*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- _____، *الفهرست*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.
- _____، *المبسوط*، طهران: المکتبه المرتضویه، بی چا، ۱۳۸۷.
- _____، *تهذیب الاحکام*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.
- عاملی، محمد بن علی، *نهاية المرام*، قم: مؤسسه نشر اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- علامه حلی، حسن بن یوسف، *تحریر الاحکام*، قم: مؤسسه الامام صادق، بی چا، ۱۴۲۰ ق.
- _____، *تذکره الفقها*، بی چا، تهران: مکتبه الرضویه، بی تا.
- _____، *قواعد الاحکام*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.
- فاضل هندی، محمد بن حسن، *کشف اللثام*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، بی چا، ۱۴۱۶ ق.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی، *تفسیر الصافی*، قم: مؤسسه الهادی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
- قطب راوندی، سعید بن هبة الله، *فقه القرآن*، قم: مکتبه آیت الله العظمی النجفی المرعشی، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.
- محقق حلی، جعفر بن حسن، *شرايع الاسلام*، تهران: انتشارات استقلال، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
- محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن، *کفاية الاحکام*، اصفهان، مدرسه صدر مهدوی، بی تا.
- محقق کرکی، علی بن حسین، *جامع المقاصد*، چاپ اول، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۱ ق.
- مفید، محمد بن محمد، *المقنعة*، قم: جامعه مدرسین، بی چا، ۱۴۱۰ ق.
- موسوی خوانساری، احمد، *جامع المدارک*، طهران، مکتبه الصدوق، ۱۳۵۵.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، *مستند الشیعه*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.
- نوری، حسین بن محمد تقی، *مستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.